رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۱۲، شماره پیاپی ۸۱، اسفند ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(12), 2023

پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس براساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی در مادران دانش آموزان کم توان ذهنی

Prediction of stress coping strategies based on primary maladaptive schemas and spiritual intelligence in mothers of mentally retarded students

محبوبه پیاده امرغان
دانشجوی دکترای روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
محمدرضا بلیاد (نویسنده مسئول)
استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
معصومه ژیان باقری
استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
ناهید هواسی سومار
استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
طاهره رنجبری پور
استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

Mahboobeh Piadeh Amarghan
PhD Student in Psychology, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran.
Mohammad Reza Belyad*
Assistant Professor Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran.belyad110@gmail.com
Masoumeh Jian Bagheri
Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran.
Nahid Hovasi Soomar
Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran.
Tahereh Ranjbari Pour
Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran.

چکیده

هدف این پژوهش پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس براساس طرحواره-های ناسازگار اولیه و هوش معنوی در مادران دانش آموزان کم‌توان ذهنی بود. پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ روش از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه مادران دانش آموزان کم توان ذهنی محدوده سنی ۶ تا ۱۸ سال (حدود ۹۰۰ نفر) مشغول به تحصیل در مدارس استثنایی شهرستان قزوین در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند. که از بین آنها به صورت تصادفی خوشه‌ای ۲۴۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن (WSQ، ۱۹۸۴) و مقیاس هوش معنوی کینگ (SISRI، ۲۰۰۸)، طرحواره-های یانگ فرم کوتاه (YSQ-SF) (۲۰۰۵) (بود. روش تحلیل پژوهش، تحلیل رگرسیون به روش همزمان بود. یافته‌ها نشان داد که حوزه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، محدودیت‌های مختل با راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار رابطه منفی و معنادار و با راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار مثبت و معنادار دارد. همچنین ارتباط هوش معنوی با راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار مثبت و معنادار و با راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار منفی و معنادار است. همچینن در مجموع ۵۰/۷ واریانس متغیر راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار و ۱۴/۵ واریانس متغیر راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار توسط متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌شود (p<۰/۰۵). نتیجه گیری می‌شود که طرح واره ناسازگارانه اولیه، هوش معنوی در پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس نقش اساسی دارد.

واژه‌های کلیدی: *راهبرد مقابله با استرس، طرحواره ناسازگارانه اولیه، هوش معنوی.*

Abstract

The aim of this research was to predict stress coping strategies based on primary maladaptive schemas and spiritual intelligence in the mothers of intellectually disabled students. The current research is part of applied research in terms of its purpose and correlational studies in terms of method. The statistical population includes all the mothers of mentally retarded students in the age range of 6 to 18 years (about 900 people) who were studying in exceptional schools in Qazvin City in 2019-2020. Among them, 246 people were randomly selected as a sample. The tools of this research included Lazarus and Folkman Coping Strategies Questionnaire (WSQ, 1984) and King's Spiritual Intelligence Scale (SISRI, 2008), Young Schemas Short Form (YSQ-SF) (2005). The regression was in the simultaneous method. The findings showed that the domain of cut and rejection, self-management and impaired performance, other orientation, listening to excessive bells and inhibitions, impaired limitations with problem-oriented coping strategies, and negative relationship and is significant and has a positive and meaningful correlation with emotion-oriented coping strategies. Also, the relationship between spiritual intelligence and problem-oriented coping strategies is positive and significant, and negative and significant with emotion-oriented coping strategies. Also, in total, the variance of the strategies variable is 50.7 for problem-oriented coping, and 14.5 variance for emotion-oriented coping strategies variable is explained by predictor variables (p<0.05). It is concluded that the primary maladaptive schema, spiritual intelligence in Finding strategies to deal with stress plays a fundamental role.

Keywords: *coping strategy with stress, primary maladaptive schema, spiritual intelligence.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : مرداد ۱۴۰۱** | **پذیرش: مهر ۱۴۰۱** | **ویرایش نهایی: اسفند ۱۴۰۱**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.13.2]

مقدمه

یکی از مشکلاتی که از دیرباز جزء مسائل تنش‌زا محسوب می‌شود، حضور فرد کم توان ذهنی در برخی از خانواده ها و پیامدهای ناشی از آن است (مرسر[1]، ۲۰۲۲). عقب ماندگی ذهنی یا اختلال رشدی ذهنی[2] اختلالی است که در دوران رشد روی می‌دهد؛ که صرفا بر اساس هوشبهر طبقه‌بندی نمی‌شود (لیو [3]و همکاران، ۲۰۲۲)؛ هرچند هوشبهر باید حداقل دو انحراف استاندارد کمتر از میانگین باشد (۷۰ یا کمتر) و ویژگی اصلی آن نقص‌هایی در توانایی‌های شناختی و عملکرد سازگارانه است (وود[4] و همکاران، ۲۰۲۲). در این میان مادر به عنوان مراقب اصلی بیشترین استرس و آسیب احتمالی را از وقوع این مسئله متحمل می‌شود (مالیندا[5] و همکاران، ۲۰۲۲).

مادران کودکان کم توان ذهنی به عنوان مراقبین اولیه، به راحتی دچار استرس بیش از حد ناشی از نگهداری از وی می‌شوند (لیونگ [6]و همکاران، ۲۰۱۹). نتایج پژوهش‌های بگ[7] (۲۰۲۲)، نوریانینگسیه[8](۲۰۲۲)، دمیر[9] و همکاران (۲۰۲۱)، سایشری[10] (۲۰۱۹) که بر روی مادران کودکان کم توان ذهنی انجام گرفتند، حاکی از آن است که این مادران سلامت روانی ضعیف و فشار روانی بالا را تجربه می‌کنند (فاین[11] و همکاران، ۲۰۲۲). بدیهی است که استرس باعث تغییرات روانشناختی مانند افزایش تحریک پذیری، اضطراب، افسردگی، تنش، عصبانیت و ناتوانی در مهار خود و ایفای نقش مادری می‌شود (رمبو[12]، ۲۰۲۱).

در این میان تلاش وکوششی که مادر انجام می‌دهد تا این استرس‌ها را از میان بردارد و یا آن را به حداقل رسانده یا تحمل کند را مقابله گویند (ماورده [13]و همکاران، ۲۰۱۸). مقابله و استرس به عنوان پیوندهای تفکیک ناپذیر توصیف می‌شوند (سبلا[14] و همکاران، ۲۰۱۸). مقابله، تلاش های رفتاری و شناختی برای مدیریت، کاهش یا تحمل مطالبات داخلی و خارجی است که توسط تبادلی تنش زا ایجاد می شود (گوپتا و کومار،۲۰۲۰) ؛ که از نظر لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) دو نوع راهبرد مقابله‌ای وجود دارد که یکی از آنها تنظیم هیجانات یا اضطراب ناشی از موقعیت تنش زا (مقابله هیجان مدار[15]) و دیگری مدیریت مسئله استرس زا با تغییر مستقیم عناصر موقعیت تنش زاست (مقابله مسئله مدار[16]) (واسوماتی و موروگسواری[17]، ۲۰۱۹) است. اگرچه هر دو شکل مقابله در بیشتر رویدادها به کار برده می شوند، با این حال به شیوه ارزیابی یک نفر از موقعیت بستگی دارد (جیسوال[18] و همکاران، ۲۰۱۸؛ که و بارلاس[19]، ۲۰۲۰).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بین طرحواره های ناسازگار اولیه و راهبردهای مقابله‌ای رابطه وجود دارد (مک دانل [20]و همکاران، ۲۰۱۸). می‌توان گفت که طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل می‌گیرند و در مسیر زندگی تداوم می‌یابند (زودخیزی و صداقت، ۱۳۹۹). به عقیده یانگ (۲۰۰۴) ریشه‌های تحولی طرحواره‌ها را باید در ارضا نشدن درست نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی جستجو کرد. این نیازهای اساسی عبارت‌اند از: ۱- نیاز به دل‌بستگی ایمن به دیگران؛ ۲- نیاز به خودگردانی، کفایت و هویت؛ ۳- آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم؛ ۴- نیاز به خودانگیختگی و تفریح و ۵- نیاز به محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویشتن‌داری (پیلکینگتون[21]، ۲۰۲۲). مطابق نظر یانگ (۱۹۹۹) بعضی از افراد به خاطر تجارب

1 Mercer
2 Intellectual Development Disorder
3 Liu
4 Wood
5 Maulinda
6 Liung
7 Bağ
8 Nuryaningsih
9 Demir
10 Saishree
11 - Fine
12 Rambo
13 Mawardah
14 Saboula
15 emotional focused coping
16 problem focused coping
17 Vasumathi & Murugeswari
18 Jaiswal
19 Ke & Barlas
20 Mc Donnell
21 Pilkington

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.13.2]

دوران کودکی منفی طرحواره‌های ناسازگار اولیه‌ای ایجاد می‌کنند که بر شیوه‌ی تفکر، احساس، رفتار و سایر جنبه‌های زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد (تالاروفسکا [1] و همکاران، ۲۰۲۲).

به‌عبارت‌دیگر طرحواره‌ها موجب سوگیری در تفسیرهای ما از رویدادها می‌شوند و این سوگیری‌ها در نحوه مقابله با رویدادها تاثیرگذار هستند (طارق و همکاران، ۲۰۲۱). به گونه‌ای که نتایج پژوهش دوزویس [2] و همکاران (۲۰۰۹)، گالاگر و گاردنر [3] (۲۰۰۷)، کامارا و کالوت [4] (۲۰۱۲)، که و همکاران (۲۰۲۰)، اسپیرو [5] و همکاران (۲۰۲۲)، کودو [6] و همکاران (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که راهبردهای مقابله با استرس با طرحواره‌های ناسازگار اولیه در ارتباط معناداری هستند.

هنگام مواجهه با عامل تنش زا، تولید معنای شخصی [7] نیز به عنوان یک روش مقابله فعالیت می‌کند و به فرد اجازه می‌دهد در شرایط استرس‌زا معنا و هدف بسازد و از این طریق عامل تنش زا را تغییر داده و از اثرات منفی آن بکاهد (چن [8] و همکاران، ۲۰۲۰). پس از کسب معنی، از پریشانی بیشتر جلوگیری می‌شود (وورانتیپو و چاوانوانیچ [9]، ۲۰۲۱). این کارکردهای سازگارانه (مقابله و حل مسئله)، پیش نیازهای اساسی ایجاد توانایی ذهنی یا هوش هستند (ارنوت [10]،۲۰۲۰)؛ که در این میان هوش معنوی [11] بعد بالاتری از هوش است که ویژگی‌ها و قابلیت های خود را در قالب خرد، شفقت، یکپارچگی، شادی، عشق، خلاقیت وآرامش فعال می‌کند (ساتپتحیپ و سامانتا [12]، ۲۰۲۰). هوش معنوی مجموعه ظرفیت‌های سازگاری در ذهن بر مبنای جنبه‌های غیرجسمانی و متعالی واقعیت است (پینتو و پینتو [13]، ۲۰۲۰)؛ به بیان دیگر هوش معنوی در برگیرنده نوعی سازگاری و حل مسئله است و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی هدایت می‌کند (سینگلا [14] و همکاران، ۲۰۲۱). این هوش به فرد دید کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چهارچوب بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته و معرفت خویش را عمق بخشد (ما و وانگ [15]، ۲۰۲۲). نتایج پژوهش‌های ارنوت [16](۲۰۲۰)، (ناویا و شارما [17](۲۰۲۲) و (دامی [18] و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که بین راهبردهای مقابله با استرس و هوش معنوی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها در جامعه ایرانی از اثرات منفی داشتن یک کودک کم‌توان ذهنی و همچنین از بار مراقبتی بسیار زیاد، فشارهای روانی، اجتماعی و مالی ناشی از داشتن چنین کودکی رنج می‌برند، که این عوامل می‌توانند، ثبات خانوادگی را برهم بزند و باعث برهم‌ریختگی سازمان خانواده شوند. مادران این فرزندان باید نقش‌ها، الگوهای تعاملی و روابط خود را در داخل و خارج مجددا سازماندهی کرده و جهت سازگاری با موقعیت جدید تلاش کنند. بنابراین عملکرد اعضا و در نهایت عملکرد کل خانواده تحت تأثیر قرار می‌گیرد. افزایش فشار بر مراقبین، عواقبی از جمله انزوای خانواده، قطع امید از حمایت‌های اجتماعی، اختلال در روابط خانوادگی و مراقبت ناکافی از بیمار و در نهایت رها کردن کودک را در پی‌خواهد داشت. توجه به این طیف وسیع از جامعه ایرانی لزوم انجام پژوهش‌های میدانی به منظور مشخص نمودن راهکارهای موثر در مدیریت این معضلات را مشخص می‌کند. علاوه بر این، شیوع کم‌توان ذهنی در جوامع مختلف و عدم وجود درمان قطعی برای آن، موجب می‌شود خانواده‌های این افراد تا پایان عمر درگیر مشکلات بی پایان این افراد باشند. بنابراین هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی در مادران دانش آموزان کم‌توان ذهنی است.

---

1 Talarowska
2 Dozois
3 Gallagher & Gardner
4 Cámara & Calvete
5 Spirou
6 Cudo
7 Personal meaning production
8 Chen
9 Woranetipo & Chavanovanich
10 Arnout
11 Spiritual intelligence
12 Satpathy & Samanta
13 Pinto & Pinto
14 Singla
15 Ma & Wang
16 Arnout
17 Navya & Sharma
18 Dami

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.13.2]

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ روش از نوع مطالعات توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه مادران دانش آموزان کم توان ذهنی محدوده سنی ۶ تا ۱۸ سال مشغول به تحصیل در مدارس استثنایی شهرستان قزوین در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند که تعداد آنها ۹۰۰۰ نفر بود که از میان آنها ۲۴۶ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت اند از: مادران دارای کودک کم توان ذهنی در محدوده‌ی سنی ۶ تا ۱۸ سال و علاقه و رضایت برای شرکت در پژوهش، عدم وجود اختلال‌های روانشناختی چون افسردگی و عدم شرکت در جلسات روان درمانی و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز انصراف از ادامه همکاری در پژوهش و پرسشنامه‌های مخدوش بود. همچنین در این پژوهش برای در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی در این پژوهش به هر شرکت کننده یک کد اختصاص داده شد و شرکت کنندگان می‌توانستند از نام مستعار برای شرکت در پژوهش استفاده کنند و اطلاعات خصوصی افراد شرکت کننده در پژوهش که در راستای هدف پژوهش نبود از شرکت‌کنندگان دریافت نشد. همچنین پس از توزیع لازم به ذکر است که کلیه ملاحظات اخلاقی پژوهش رعایت گردید، از جمله این که به زنان شرکت کننده در پژوهش اطمینان خاطر داده شد کلیه اطلاعات پژوهش به صورت محرمانه نزد پژوهشگر باقی می‌ماند و از این اطلاعات صرفا جهت ارزیابی پژوهشی استفاده می‌شود. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده ازSPSS ویراست ۲۶ و روش آماری تحلیل رگرسیون مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه راهبردهای مقابله ای[1] (CSQ): پرسشنامه راهبردهای مقابلـه ای توسـط فلکمـن و لازاروس[2] در سال۱۹۸۴ طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۶۶ گویه و ۸ مولفه مقابله مستقیم، فاصله جویی، خودکنترلی، جستجوی حمایت اجتماعی، پذیرش مسئولیت، گریـزـ اجتـناب، حل مسئله برنامه ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت است. براساس طیف سه درجه ای اصلاً استفاده نکرده ام (۰) تا بسیار استفاده کرده ام (۳) است. فولکمن و لازاروس (۱۹۸۶) پایایی این پرسشنامه را با روش همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ و پایایی خرده مقیاس های آن۰/۶۱ برای سبک مقابله فاصله جو، ۰/۷۹ برای ارزیابی مجدد مثبت، ۰/۷۴ برای اجتناب و ۰/۸۸ برای راهبرد مسئله مدارگزارش کرده‌اند. مطالعه رافنسون و همکاران (۱۹۹۲) روایی و اعتبار ساختاری این پرسشنامه در ایسلند را از طریق تحلیل عاملی و رابطه آن را با مقیاس شیوه‌های مقابله با استرس بیلینگر و موس[3] (۱۹۸۴) r=۰/۴۶ تایید نمود (گاندوگان و سیسر[4]، ۲۰۲۲). روایی پرسشنامه مذکور طی تحقیقاتی که در ایران انجام‌شده مورد تایید قرار گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ زیر مقیاس مقابله مستقیم۰/۷۰، فاصله جویی ۰/۶۱، خود کنترلی ۰/۷۰، طلب حمایت اجتماعی ۰/۷۶، پذیرش مسئولیت ۰/۶۶، گریز/ اجتناب ۰/۷۲، حل مسئله برنامه ریزی شده ۰/۶۷ و ارزیابی مجدد مثبت ۰/۷۹، که نشان دهنده پایایی مطلوب این آزمون دارند. واحدی (۱۳۸۶)، به منظور بررسی روایی همگرای پرسشنامه روش های مقابله از محاسبه همبستگی نمره های خام حاصل از این پرسشنامه با نمره های خام حاصل از پرسشنامه استرس لیونل استفاده نمود که نتیجه آن (r=۰/۵۶) نشان داد آزمون از روایی همگرایی بالایی برخوردار است. همچنین نتایج روش تحلیل مؤلفه های اصلی و چرخش واریماکس نشان داد که مقیاس روش های مقابله از ۱۰عامل با بار عاملی بیش از۰/۳ تشکیل شده است (نجاریان و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ زیر مقیاس مقابله مستقیم ۰/۷۶، زیرمقیاس فاصله جویی ۰/۷۱، زیر مقیاس خود کنترلی ۰/۸۰، زیر مقیاس طلب حمایت اجتماعی ۰/۷۰، زیر مقیاس پذیرش مسئولیت ۰/۸۲، زیر مقیاس گریز/اجتناب ۰/۷۶، زیرمقیاس حل مسئله برنامه ریزی شده ۰/۷۵ و زیر مقیاس ارزیابی مجدد مثبت ۰/۸۳ و آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه نیز ۰/۹۱ بدست آمد.

پرسشنامه هوش معنوی[5] (SISRI): پرسشنامه هوش معنوی توسط کینگ در سال ۲۰۰۸ طراحی شده است. دارای ۲۴ گویه است که ۴ زیر مولفه تفکر وجودی انتقادی(CET)، تولید معنای شخصی (PMP) ، آگاهی متعالی (TA)، بسط حالت هشیاری (CSE) شامل

1 - Coping strategies questionnaire (CSQ)
2 - Folkman, Lazarus
3- Billinger, Moss
4 - Gündoğan, Seçer
5 - Spiritual Intelligence Self-Report Inventory (SISRI)

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.13.2]

می‌شود. این مقیاس بر اساس طیف لیکرت پنج درجه ای از کاملا مخالفم (۵) تا کاملا موافقم (۱) نمره‌گذاری می‌شود. پایایی این مقیاس در مطالعه کینگ (۲۰۰۷) بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش شد و آلفای کرونباخ زیر مقیاس های آن از جمله تفکر وجودی انتقادی ۰/۸۸، ایجاد معناداری شخصی ۰/۸۷، هشیاری متعالی ۰/۸۹ و گسترش هشیری متعالی ۰/۹۴ گزارش کرد. کینگ (۲۰۰۷) به منظور سنجش روایی، این مقیاس را با چندین پرسشنامه معتبر از جمله مقیاس خود تفسیری فرا شخصی، مقیاس عرفان و مقیاس دینداری درونی و بیرونی مورد مقایسه قرار داده و ضریب همبستگی آنها را به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۶۳ و ۰/۵۸ گزارش کرده است. در پژوهش زاده شبروز و همکاران (۱۳۹۷) پایایی ابعاد پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ به ترتیب تفکر وجودی انتقادی ۰/۷۶، تولید معنای شخصی ۰/۷۸، بسط هوشیاری ۰/۷۲، و آگاهی متعالی ۰/۸۰ و پایایی کل پرسشنامه نیز با آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد. در پژوهش شریفی نیا و همکاران (۱۳۹۴) روایی سازه پرسشنامه به کمک تحلیل عاملی اکتشافی ۰/۸ تا ۰/۹ محاسبه شد. روایی همگرا و واگرا به کمک ارزیابی میانگین واریانس استخراجی، حداکثر مجذور واریانس مشترک و میانگین مجذور واریانس مشترک سنجیده شد. روایی همگرا ۰/۵۸ و روایی واگر ۰/۴۴ گزارش شد (به نقل از زاده شبروز و همکاران، ۱۳۹۷). لازم به ذکر است پایایی ابعاد پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر به ترتیب برای تفکر وجودی انتقادی ۰/۸۳، تولید معنای شخصی ۰/۷۹، بسط هوشیاری ۰/۸۸، و آگاهی متعالی ۰/۷۸ و پایایی کل پرسشنامه نیز ۰/۹۳ بدست آمد.

پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه[1] (YSQ-SF): برای اندازه‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه از پرسشنامه ۷۵ سوالی یانگ (۲۰۰۵) با مقیاس پاسخگویی ۶ درجه‌ای لیکرت (کاملا نادرست= ۱ تا کاملا درست= ۶) و ۱۵ خرده مقیاس شامل محرومیت هیجانی، طرد/ رهر شدگی، بی اعتمادی/ بدرفتاری، انزوای اجتماعی، نقص/ شرم، شکست، وابستگی/ بی کفایتی، آسیب پذیری به ضرر، گرفتاری/ در دام افتادی، اطلاعات، از خودگذشتگی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه، استحقاق، خویشتن داری و خود انضباط ناکافی استفاده شد. آلفای کرونباخ کل برای آزمون حاضر در پژوهش بچ[2] و همکاران (۲۰۱۸) ۰/۹۶ و برای خرده مقیاس‌ها بالاتر از ۰/۸۰ گزارش شد. در مطالعه‌ی ولبرن و همکاران (۲۰۰۲)، نتایج تحلیل عاملی از ساختار درونی پرسشنامه قویاً حمایت می‌کند. پرسشنامه طرحواره یانگ با پرسشنامه پریشانی روانشناختی کسلر و همکاران (۲۰۰۲) و پرسشنامه همبستگی بالایی دارد که نتایج آن به ترتیب (r=۰/۴۵) و (r=۰/۵۶) است (پیلکینگتون[3] و همکاران، ۲۰۲۱). در پژوهش غیاثی (۱۳۸۸) روایی همزمان پرسشنامه با مقیاس نگرش های ناکارآمد ۰/۶۵ گزارش شد. در پژوهش غیاثی (۱۳۸۸)، آلفای کرونباخ آن در خرده مقیاس ها بین۰/۶۰ تا ۰/۹۰ و آلفای کرونباخ کل آن ۰/۹۴ گزارش شد (به نقل از سیفی‌زاده آرانی و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۲ بدست آمد.

یافته‌ها

میانگین سن گزارش‌شده برای نمونه پژوهش حاضر ۳±/۸۳ ۳۹/۳ گزارش شد. حداقل سن شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۹ و حداکثر سن ۴۵ گزارش شد. نتیجه یافته‌های توصیفی پژوهش به تفکیک سه مرحله پژوهش در سه گروه در جدول ۱ ارائه‌شده است.

جدول ۱. مشخصه‌های آماری متغیرها و ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرها

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. بریدگی و طرد	۱							
۲. خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۲۰۴**	۱						
۳. دیگر جهت‌مندی	۰/۲۴۵**	۰/۰۹۷	۱					
۴. گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	۰/۲۴۱**	۰/۱۹۳**	۰/۱۰۲	۱				
۵. محدودیت‌های مختل	۰/۲۸**	۰/۱۹۶**	۰/۱۹۳**	۰/۳۵۷**	۱			
۶. هوش معنوی	-۰/۰۸۲	-۰/۱۳۷	-۰/۰۹۶	-۰/۳۲**	-۰/۳۲**	۱		
۷. راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار	-۰/۴۳۶**	-۰/۲۲۸**	-۰/۳۰۲**	-۰/۴۸۲**	-۰/۴۱۹**	۰/۳۴۲**	۱	

1 - Young Schema Questionnaire-Short Form (YSQ-SF)
2 - Bach
3 - Pilkington

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.13.2]

۸. **راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار**	۰/۲۵۸**	۰/۲۴**	۰/۲۳۸**	۰/۲۰۷**	۰/۳۳۶**	-۰/۱۹۲**	۰/۲۳**	۱
میانگین	۵۶/۳	۳۶/۵	۲۶/۲	۲۳/۸	۲۵/۵	۵۰/۴	۳۸/۲	۳۴/۷
انحراف استاندارد	۱۲/۵	۱۰/۸	۵/۸۸	۶	۷/۳۹	۱۸/۹	۹/۲۳	۷/۷۶
چولگی	-۰/۴۳۴	-۰/۱۵۶	۱/۱۳	۰/۸۳۲	۰/۶۵۴	-۰/۷۳۳	۰/۴۵۵	۰/۳۲۱
کشیدگی	۰/۲۱۹	-۰/۶۸۲	۰/۸۶۵	۱/۲۳	۰/۸۰۴	-۰/۲۴۵	۰/۶۹۴	۰/۸۱۲

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که بین طرحواره بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، و محدودیت‌های مختل با راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار رابطه منفی و معنادار و ارتباط هوش معنوی و راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار رابطه مثبت و معنادار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد (p<۰/۰۱)؛ همچنین بین بین طرحواره بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، محدودیت‌های مختل و هوش معنوی با راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار رابطه منفی و معنادار وجود دارد (p<۰/۰۱). نتایج آزمون کالموگراف – اسمیرنف برای طرحواره بریدگی و طرد (۰/۰۶۹)، خودگردانی و عملکرد مختل (۰/۰۵۶)، دیگر جهت مندی (۰/۰۴۹)، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری (۰/۰۷۶)، محدودیت‌های مختل (۰/۰۶)، راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار (۰/۰۵۷)، راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار (۰/۰۶۴) و هوش معنوی (۰/۰۵۱) بزرگتر از ۰/۰۵گزارش شد (p>۰/۰۵). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توزیع نمرات متغیرهای پژوهش نرمال است. لذا استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه جهت بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش بلامانع است. همچنین آماره دوربین واتسون نیز ۲/۰۳ گزارش شد که چون مقدار آن بین ۱/۵ تا ۲/۵ است؛ تایید می‌شود.

جدول ۲. خلاصه مدل رگرسیون چندگانه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی در پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس

	متغیر پیش‌بین	R	R^2 Adjusted
راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار	بریدگی و طرد خودگردانی و عملکرد مختل دیگر جهت‌مندی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری محدودیت‌های مختل هوش معنوی	۰/۴۱۳	۰/۱۷۱
راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار	بریدگی و طرد خودگردانی و عملکرد مختل دیگر جهت‌مندی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری محدودیت‌های مختل هوش معنوی بریدگی و طرد	۰/۶۶۴	۰/۴۴۱

جدول (۲) نشان می‌دهد در تحلیل رگرسیون، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی با راهبردهای مقابله با استرس دارای همبستگی چندگانه هستند که مقدار ضریب همبستگی برای راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار برابر با ۰/۴۱۳ و در راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار برابر با ۰/۶۶۴ است. با توجه به مقدار مجذور ضریب همبستگی در راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار (۰/۱۷۱) حدود ۱۷/۱ درصد از واریانس راهبردهای مقابله مسئله مدار توسط طرحواره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی پیش‌بینی می‌شود. همچنین با توجه به مقدار مجذور ضریب همبستگی در راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار (۰/۴۴۱) حدود ۴۴/۱ درصد از واریانس راهبردهای مقابله هیجان مدار توسط طرحواره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی پیش‌بینی می‌شود.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.13.2]

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی در پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس

متغیرهای ملاک	متغیر پیش‌بین	B	Beta	t	P
		۵۰/۷		۹/۳۱	۰/۰۰۱
	بریدگی و طرد	-۰/۴۱۱	-۰/۱۰۱	-۲/۱۸	۰/۰۳
	خودگردانی و عملکرد مختل	-۰/۲۴۱	-۰/۱۰۹	-۲/۱۶	۰/۰۳۱
راهبردهای مقابله‌ای	دیگر جهت‌مندی	-۰/۳۶۴	-۰/۱۲۱	-۲/۳۹	۰/۰۱۷
مسئله مدار	گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	-۰/۳۶۴	=۰/۱۱۹	-۲/۲۱	۰/۰۲۷
	محدودیت‌های مختل	=۰/۴۱۱	-۰/۱۳۵	-۲/۲۵	۰/۰۱۲
	هوش معنوی	۱/۴۱	۰/۴۲۸	۹/۶۹	۰/۰۰۱
		۱۴/۵		۳/۴۱	۰/۰۰۱
	بریدگی و طرد	۰/۳۴۰	۰/۱۴۴	۲/۴۵	۰/۰۱
راهبردهای مقابله‌ای	خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۳۵۷	۰/۱۶۸	۲/۵۳	۰/۰۱۲
هیجان مدار	دیگر جهت‌مندی	۰/۳۰۲	۰/۱۲۲	۱/۹۳	۰/۰۴۹
	گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	۰/۷۳۴	۰/۳۱۵	۴/۴۳	۰/۰۰۱
	محدودیت‌های مختل	۰/۵۱۸	۰/۲۵۱	۳/۰۹	۰/۰۰۲
	هوش معنوی	-۰/۳۶۷	-۰/۱۷۳	۳/۲۱	۰/۰۰۱

طبق جدول (۳) نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه با روش هم‌زمان نشان داده است که زیر مولفه‌ی بریدگی و طرد (β=-۰/۱۰۱، p<۰/۰۵)، خودگردانی و عملکرد مختل (β=-۰/۱۰۹، p<۰/۰۵)، دیگر جهت‌مندی(β=-۰/۱۲۱، p<۰/۰۵)، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری (β=-۰/۱۱۹، p<۰/۰۵)، محدودیت‌های مختل (β=-۰/۱۳۵، p<۰/۰۱) و هوش معنوی (β= ۰/۴۲۸، p<۰/۰۱) توان پیش‌بینی راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار را دارد. همچنین زیر مولفه‌ی بریدگی و طرد (β۰/۱۴۴، p<۰/۰۵)، خودگردانی و عملکرد مختل (β۰/۱۶۸، p<۰/۰۵)، دیگر جهت‌مندی(β=۰/۱۲۲، p<۰/۰۵)، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری (β=۰/۳۱۵، p<۰/۰۵)، محدودیت‌های مختل (β۰/۲۵۱، p<۰/۰۱) و هوش معنوی (β= -۰/۱۷۳، p<۰/۰۱) توان پیش‌بینی راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار را دارند. معادله رگرسیون برای پیش‌بینی راهبردهای مقابله مسئله مدار به شرح زیر است.

$$Y=۵۰/۷-۰/۱۰۱\ (X_۱) -۰/۱۰۹(x_۲) -۰/۱۲۱(x_۳) -۰/۱۱۹(x_۴) -۰/۱۳۵(x_۵)+۰/۴۲۸(x_۶)$$ (راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار)

$$Y=۱۴/۵+۰/۱۴۴(X_۱) +۰/۱۶۸\ (x_۲)+۰/۱۲۲(x_۳) +۰/۳۱۵(x_۴) +۰/۲۵۱(x_۵) -۰/۱۷۳(x_۶)$$ (راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار)

x1=بریدگی و طرد
x2=خودگردانی و عملکرد مختل
x3= دیگر جهت‌مندی
x4=گوش به زنگی بیش از حد و بازداری
x5= محدودیت‌های مختل
x6= هوش معنوی

طبق معادله رگرسیون، به ازای هر واحد که از حوزه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، محدودیت‌های مختل و هوش معنوی به ترتیب به میزان ۰/۱۰۹، ۰/۱۲۱، ۱۱۹، ۰/۱۳۵ از میزان راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه کاسته و به میزان ۰/۴۲۸ افزوده می‌شود. همچنین، به ازای هر واحد که از حوزه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، محدودیت‌های مختل و هوش معنوی به ترتیب به میزان ۰/۱۶۸، ۰/۱۲۲، ۰/۳۱۵، ۰/۲۵۱ به راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار افزوده و به میزان ۰/۱۷۳ واحد کاسته می‌شود.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.13.2]

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و هوش معنوی مادران کم توان ذهنی انجام شد. نتیجه حاصل از پژوهش حاضر نشان داد حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری و محدودیت‌های مختل توان پیش بینی راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار در مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی را دارد. نتیجه حاصل با نتیجه پژوهش زودخیزی و همکاران (۱۳۹۹)، دوزویس و همکاران (۲۰۰۹)، کامارا و کالوت (۲۰۱۲)، گالاگر و گاردنر (۲۰۰۷)، که و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت: طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان باورهای بنیادین و زیربنایی، نقش مهمی در تعبیر و تفسیر رویدادهای زندگی هر فرد دارند، به عبارت دیگر افراد دنیا و تجارب زندگی خودشان را از چشم‌انداز طرحواره‌ها می‌نگرند (زودخیزی و همکاران، ۱۳۹۹). نگاهی بع طرحواره‌های قرار گرفته در این حوزه می‌تواند تبیین‌های سودمندی را منعکس کند (طارق و همکاران، ۲۰۲۱). برخی از افراد به منظور مواجهه با مشکلات و رویدادهای منفی زندگی در دوران کودکی بعضی از این طرحواره‌ها و راهبرد واره ناسازگارانه را ایجاد می‌کنند. اگرچه طرحواره‌ها در دوران کودکی کارکرد خوبی دارند اما استفاده از آن‌ها در سال‌های بعدی زندگی ناسازگارانه است زیرا ادراک جهان مشابه دوران کودکی نیست (تالاروفسکا و همکاران، ۲۰۲۲). وجود این طرحواره‌ها در دوران بزرگسالی باعث مقابله با مشکلات در راه‌های ناسازگارانه می‌شود و تهدیدی برای بهزیستی افراد به‌شمار می‌رود. فعال شدن طرحواره‌های ناسازگار اولیه منجر به ارزیابی منفی رویدادها و تغییر محرک‌ها به صورت منفی و تهدید آمیز می‌شود. این امر باعث می‌شود که فرد موقعیت فشارزا و توانایی خود برای مقابله با آن را به صورت منفی ارزیابی کند و در نتیجه در یک راهبرد مقابله‌ای منفعل و ناسازگارانه (مانند مقابله‌ی هیجان‌مدار) درگیر شود (طارق و همکاران، ۲۰۲۱)؛ چرا که افراد زمانی از مقابله‌های ناسازگارانه استفاده می‌کنند که موقعیت استرس زا را غیرقابل کنترل و دست‌کاری ادراک کنند (اسپیرو و همکاران، ۲۰۲۲).

از سوی دیگر فعال شدن طرحواره‌های ناسازگار اولیه حجم عظیمی از هیجان‌های منفی و ناخوشایند را تولید می‌کند و افراد سبک مقابله‌ای ناسازگار را به کار می‌بندند تا با هیجانات آشفته ناشی از برانگیختگی طرحواره‌ها کنار آیند و از آنجایی که فرد با طرحواره‌هایش احساس راحتی می‌کند و نیاز به هماهنی شناختی دارد برای بقا و تداوم طرحواره‌های خود می‌جنگد که یکی از سازو کارهایی که به کار می‌گیرد استفاده از سبک مقابله‌ای ناسازگار است. به دنبال استفاده از راهبردهای مقابله‌ای ناسازگارانه، آشفتگی‌های روانشناختی بیشتری را تجربه می‌کنند (کودو و همکاران، ۲۰۲۲). بر اساس رویکرد طرحواره ای یانگ افراد بر اساس طرحواره های خود سبک های مقابله ای متفاوتی را اتخاذ می کنند تا به نیازهای طرحواره ای خود پاسخ دهند (پیلکینگتون، ۲۰۲۲).

همچنین می‌توان افزود طرحواره‌های ناسازگار اولیه توانایی پیش‌بینی راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار را دارند: نتیجه حاصل با نتایج پژوهشگرانی چون که و همکاران (۲۰۲۰)، اسپیرو و همکاران (۲۰۲۲)، کودو و همکاران (۲۰۲۲) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت: طرحواره‌ها ذخیره می‌شوند تا در شرایط خاص فعال شوند. زمانی که طرحواره‌ای فعال می‌شود، تبدیل به اتاق فرمان افکار خود آیند منفی می‌گردد و به‌طور منفی موجب سوگیری اطلاعات می‌شود. در حقیقت طرحواره‌ها ذخیره می‌شوند تا هنگامی‌که تحت شرایط خاصی، فعال شوند (تالاروفسکا و همکاران، ۲۰۲۲). افراد به دلیل اینکه از طرحواره‌های ناسازگار خویش ناآگاه‌اند ممکن است به سمت به‌کارگیری راهبردهای مقابله با استرس نامناسب گرایش پیدا کنند (بارلاس،۲۰۲۰). همچنین می‌توان گفت طرحواره‌های ناسازگار اولیه نتیجه تجارب زیان بخش نظیر رهاشدگی، محرومیت هیجانی، تحقیر، نقص در محیط اولیه، و حوادث استرس‌زا است؛ به طوری که این طرحواره‌ها به ایجاد باورهای منفی درباره خود، دیگران و جهان و دیدگاه های بدبینانه نسبت به زندگی، منجر می‌شوند (دوزویس و همکاران، ۲۰۰۹). با در نظرگرفتن اینکه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دوره‌های اولیه زندگی تحول یافته و تثبیت شده اند و بازنمایی‌های معتبری از تجارب ناخوشایند دوره کودکی هستند، می‌توان چنین استنباط کرد که زمینه ساز تفکر تحریف شده و رفتارهای ناکارآمد و هسته اصلی مشکلات رفتاری، سازشی و روانی قرار گرفته‌اند و همه این‌ها موجب استفاده از راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد شده است (زودخیزی و همکاران، ۱۳۹۹).

نتیجه حاصل از پژوهش حاضر نشان داد هوش معنوی توان پیش بینی راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار را دارد. نتیجه حاضر با نتایج پژوهشگرانی چون ارنوت (۲۰۲۰)، ناویا و همکاران (۲۰۲۲)، دامی و همکاران (۲۰۱۹) همسو است. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت:

هوش معنوی به افراد کمک می‌کند تا با معنا دادن به ناملایمات، سختی‌ها را تحمل کنند و به دنبال راه‌حل‌هایی برای آن باشند و در نتیجه به زندگی خود پویای و حرکت دهند. به عبارت دیگر، در هنگام روبه رو شدن با استرس، هوش معنوی با ایجاد معنای شخصی به

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.13.2]

فرد امکان می‌دهد تا با ایجاد شرایط جدیدی که حتی اگر استرس‌آور و نگران کننده باشد، معنا یا هدفی را در آن بیابد و بتواند با شرایط جدید سازگار شود و به این طریق عامل استرس زا را تغییر دهد و تأثیرهای منفی آن را کاهش دهد. در واقع هوش معنوی موجب می‌شود که انسان با ملایمات و عطوفت بیشتری به مشکل نگاه کند، تلاش بیشتری برای یافتن راه‌حل داشته باشد و سختی‌های زندگی را بهتر تحمل کند (پینتو و همکاران، ۲۰۲۰).

نتیجه حاصل از آزمون پژوهش حاضر نشان داد هوش معنوی توانایی پیش‌بینی راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار را دارد. نتیجه حاصل با نتایج پژوهشگرانی چون سینگلا و همکاران (۲۰۲۱) و دامی و همکاران (۲۰۱۹) همسو است. در تبیین یافته حاصل می‌توان گفت: هوش معنوی بیانگر توان به کار بستن منابع و ظرفیت‌های معنوی برای افزایش سازگاری و در نتیجه سلامت روان است (ارنوت، ۲۰۲۰). منظور از هوش معنوی بعدی از هوش است که انسان توسط آن مسائل وجودی درگیر با آن را حل می نماید و به زندگی اش معنا می‌دهد و این معناده‌ی به زندگی می‌تواند در مواجهه با بحران‌های شدید بسیار به افراد کمک کند (سینگلا و همکاران، ۲۰۲۱).از سوی دیگر می‌توان گفت: کنش یکپارچه کننده هوش معنوی تعامل بین فرایندهای تفکر منطقی و هیجان را تسهیل می‌کند و این قابلیت را نیز دارد که نتیجه تعامل آنها را به کلی تغییر دهد و بدین واسطه موجب رشد و دگرگونی شخصی شود (ناویا و همکاران، ۲۰۲۲). هوش معنوی به‌طورکلی به‌وسیله رفتار حل مسئله انطباقی، در جهت اهداف عملی بیان می‌شود که رشد سازگارانه را تسهیل می‌کند. رفتار انطباقی احتمال به وجود آمدن اهداف رقابت‌طلبانه را که موجب ایجاد تعارض درونی می‌شوند، به حداقل میرساند. این برداشت از هوش مبتنی بر این فرض است که فرایندهای عمل در جهت اهداف فرد، مستلزم اجرای راهبردهایی برای غلبه بر موانع و حل مسائل است. بنابراین ارتباط مثبت هوش معنوی و راهبردهای مقابله با استرس دور از انتظار نبود. همچنین در تبیین دیگر می‌توان افزود: هوش معنوی موجب می‌شود انسان با ملایمات و عطوفت بیشتری به مشکلات نگاه کند، تلاش بیشتری برای یافتن راه‌حل داشته باشد و سختی‌های زندگی را بهتر تحمل کند (دامی و همکاران، ۲۰۱۹).

به‌طورکلی نتایج حاکی از این بود که راهبردهای مقابله با استرس از طریق طرحواره‌های ناسازگار و هوش معنوی در مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی قابل پیش بینی بود. از محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که ازآنجا که واحد نمونه پژوهش حاضر مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی شهرستان قزوین بود؛ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از سایر مناطق استفاده شود.

منابع

زاده شبروز، ق؛ یوسفی، ن؛ قادری، ف. (۱۳۹۷). نقش طرحواره های ناسازگار اولیه، سبک های مقابله ای و نظم جویی شناختی هیجان در پیش بینی گرایش به اعتیاد دانش آموزان. روانشناسی مدرسه. ۷ (۴)، ۱۱۸-۱۳۹. https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx

زودخیزی، ا؛ صداقت، م (۱۳۹۹). مقایسه ی طرح واره های ناسازگار اولیه، استرس ادراک شده و راهبردهای مقابله ای در نوجوانان بد سرپرست و نوجوانان عادی. فصلنامه ایده های نوین روانشناسی. http://jnip.ir/article-1-480-fa.html

سیفی‌زاده آرانی، ح؛ زارعی محمودآبادی، ح؛ بخشایش، ع. (۱۳۹۸). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سازگاری زناشویی با واسطه‌گری ترس از صمیمت در متأهلین. خانواده پژوهی، ۱۵(۶۰)، ۴۸۶- ۴۶۷. https://jfr.sbu.ac.ir/article_97783.html

نجاریان، ز؛ صدیقی‌ارفعی، ف؛ تمنایی‌فر، م.ر. (۱۳۹۴). پیش‌بینی سبک‌های مقابله‌ای و ابراز وجود بر اساس سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های کاشان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۱(۳)، ۱۰۹-۸۷. 10.22051/JONTOE.2015.2085

Ardani, W. A., Sasono, T. N., & Rohmi, F. (2020). The Correlation Between Coping Mechanism And Anxiety Levels On Parents Having Mental Retardation Children In SLB BC PGRI Sumber Pucung. *Jurnal Midpro*, *12*(1), 123-134. https://doi.org/10.30736/md.v12i1.156

Arnout, B. A. (2020). A structural equation model relating unemployment stress, spiritual intelligence, and mental health components: Mediators of coping mechanism. *Journal of Public Affairs*, *20*(2), e2025. https://doi.org/10.1002/

Bach, B., Lockwood, G., & Young, J. E. (2018). A new look at the schema therapy model: organization and role of early maladaptive schemas. *Cognitive behaviour therapy*, *47*(4), 328-349. https://doi.org/10.1080/16506073.2017.141056

Bağ, S. (2022). The Effects of Depression Severity on the Stress Coping Methods of Mothers with Mentally Disabled Children. *Istanbul Medical Journal*, *23*(1). 10. 10.4274/imj.galenos.2022.99075

Cámara, M., & Calvete, E. (2012). Early maladaptive schemas as moderators of the impact of stressful events on anxiety and depression in university students. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, *34*(1), 58-68. https://doi.org/10.1007/s10862-011-9261-6

Chen, S., Xia, M., Wen, W., Cui, L., Yang, W., Liu, S., ... & Lei, W. (2020). Mental health status and coping strategy of medical workers in China during The COVID-19 outbreak. *MedRxiv*. https://doi.org/10.1101/2020.02.23.20026872

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.13.2]

Cudo, A., Dobosz, M., Griffiths, M. D., & Kuss, D. J. (2022). The Relationship Between Early Maladaptive Schemas, Depression, Anxiety and Problematic Video Gaming Among Female and Male Gamers. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 1-28. https://doi.org/10.1007/s11469-022-00858-2

Dami, Z. A., Setiawan, I., Sudarmanto, G., & Lu, Y. (2019). Effectiveness of group counseling on depression, anxiety, stress and components of spiritual intelligence in student. *International Journal of Scientific & Technology Research*, *8*(9), 236-243. https://www.researchgate.net/profile/Zummy-Anselmus-Dami/publication/336265990

Demir, Z. G., Güler, K., Aktan, E. A., & Sevimli, D. (2021). Comparison and examination of the death anxiety of parents with and without having mental retarded children. *The Journal of Neurobehavioral Sciences*, *8*(1), 28. http://www.jnbsjournal.com/text.

Dev, R. D., Kamalden, T. F., Geok, S. K., Ayub, A. F., & Ismail, I. A. (2018). Spiritual intelligence on health behaviours among Malaysian university students in a Malaysian public university: The mediating role of self efficacy. Malaysian *Journal of Movement, Health & Exercise*, *7*(2), 53-64. https://doi.org/10.15282/mohe.v7i2.203

Dozois, D. J., Martin, R. A., & Bieling, P. J. (2009). Early maladaptive schemas and adaptive/maladaptive styles of humor. *Cognitive therapy and research*, *33*(6), 585-596. https://doi.org/10.1007/s10608-008-9223-9

Fine, S. L., Kane, J. C., Spiegel, P. B., Tol, W. A., & Ventevogel, P. (2022). Ten years of tracking mental health in refugee primary health care settings: an updated analysis of data from UNHCR's Health Information System (2009–2018). *BMC medicine*, *20*(1), 1-16. https://doi.org/10.1186/s12916-022-02371-8

Folkman, S., & Lazarus, R. S. (1986). Stress processes and depressive symptomatology. *Journal of abnormal psychology*, *95*(2), 107. https://doi.org/10.1037/0021-843X.95.2.107

Gallagher, B. V., & Gardner, F. L. (2007). An examination of the relationship between early maladaptive schemas, coping, and emotional response to athletic injury. *Journal of Clinical Sport Psychology*, *1*(1), 47-67 https://doi.org/10.1123/jcsp.1.1.47

Gündoğan, S., & Seçer, İ. (2022). Coping with School Burnout. *Psikiyatride Guncel Yaklasimlar*, *14*(3), 331-339. https://doi.org/ 18863/pgy.1025335

Jaiswal, S. V., Subramanyam, A. A., Shah, H. R., & Kamath, R. M. (2018). Psychopathology and coping mechanisms in parents of children with intellectual disability. *Indian Journal of Psychiatry*, *60*(3), 312. 10.4103/psychiatry.IndianJPsychiatry_259_17. doi: 10.4103/psychiatry.IndianJPsychiatry_259_17

Ke, T., & Barlas, J. (2020). Thinking about feeling: Using trait emotional intelligence in understanding the associations between early maladaptive schemas and coping styles. *Psychology and Psychotherapy: theory, research and practice*, *93*(1), 1-20. https://doi.org/10.1111/papt.12202

Liu, Q., Cai, M., Liu, D., Ma, S., Zhang, Q., Liu, Z., & Yang, J. (2022). Two stream Non-Local CNN-LSTM network for the auxiliary assessment of mental retardation. *Computers in Biology and Medicine*, 105803. https://doi.org/10.1016/j.compbiomed.2022.105803

Liung, S., Marchira, C. R., Supriyanto, I., Agusno, M., Soewadi, S., & Sumarni, S. (2019). Association of religious coping use with psychological well-being of mother of mentally retarded children. *Journal of Community Empowerment for Health*, *2*(2), 181-189. https://doi.org/10.22146/jcoemph.48193

Ma, Q., & Wang, F. (2022). The Role of Students' Spiritual Intelligence in Enhancing Their Academic Engagement: A Theoretical Review. *Frontiers in Psychology*, *13*, 857842. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.857842

Maulinda, A. V., Murti, B., & Adriani, R. B. (2022). The Experience of Mothers Caring for Children with Disabilities at the Persatuan Rakyat Indonesia Special School in Pekalongan, Central Java: A Phenomenological Study. *Journal of Maternal and Child Health*, *6*(6), 632-641. https://doi.org/10.26911/thejmch.2021.06.06.01

Mawardah, U., Siswati, S., & Hidayati, F. (2018). Relationship between active coping with parenting stress in mother of mentally retarded child. *Jurnal Empati*, *1*(1), 1-14. https://indianjournals.com

Mc Donnell, E., Hevey, D., McCauley, M., & Ducray, K. N. (2018). Exploration of associations between early maladaptive schemas, impaired emotional regulation, coping strategies and resilience in opioid dependent poly-drug users. *Substance use & misuse*, *53*(14), 2320-2329. https://doi.org/10.1080/10826084.2018.1473438

Mercer, J. R. (2022). Labeling the mentally retarded: Clinical and social system perspectives on mental retardation. *Univ of California Press*. https://books.google.com/books

Navya, G., & Sharma, S. (2022). Impact of Spiritual Intelligence on Perceived Stress among Male and Female University Students. *International Journal of Bio-Resource & Stress Management*, *13*(1). https://www.pphouse.org/upload_article/3332654

Nuryaningsih, N. The Role of Parents in the Development of Mentally Retarded Children at Slbn Angkola Timur, South Tapanuli. *European Journal of Research Development and Sustainability*, *2*(12), 136-138. https://www.neliti.com/publications/388153/the-role-of-parents

Pilkington, P. D., Bishop, A., & Younan, R. (2021). Adverse childhood experiences and early maladaptive schemas in adulthood: A systematic review and meta-analysis. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, *28*(3), 569-584. https://doi.org/10.1002/cpp.2533

Pilkington, P. D., Spicer, L., & Wilson, M. (2022). Schema therapists' perceptions of the influence of their early maladaptive schemas on therapy. *Psychotherapy Research*, 1-14. https://doi.org/10.1080/10503307.2022.2038804

Pinto, C. T., & Pinto, S. (2020). From spiritual intelligence to spiritual care: A transformative approach to holistic practice. Nurse Education in Practice, 47, 102823. https://doi.org/10.1016/j.nepr.2020.102823

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.13.2]

Rambo, C. (2021). Remixing/Reliving/Revisioning “My Mother Is Mentally Retarded”. In Handbook of Autoethnography (pp. 401-410). Routledge. https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/978042943176

Saboula, N. E., Shattla, S. I., & Arrab, M. M. Effect of Cognitive Behavior Therapy on Problem Solving and Stress Coping among Parents of Children with Mental Retardation. https://www.researchgate.net/p

Saishree, M. (2019). Pranayama on stress among mothers of mentally retarded children. TNNMC Journal of Mental Health Nursing, 7(2), 4-8. https://indianjournals.com/ijor.

Satpathy, T. K., & Samanta, S. (2020). Influence of Spiritual Intelligence on human psychology-a review. *Wutan Huatan Jisuan Jishu*, *16*. https://www.researchgate.net/profile/Sasmita-Samanta/publication/358796752

Singla, H., Mehta, M. D., & Mehta, P. (2021). Modeling spiritual intelligence on quality of work life of college teachers: a mediating role of psychological capital. International Journal of Quality and Service Sciences. https://doi.org/10.1108/IJQSS-07-2020-0108

Spirou, D., Raman, J., Bishay, R. H., Ahlenstiel, G., & Smith, E. (2022). Childhood trauma, posttraumatic stress disorder symptoms, early maladaptive schemas, and schema modes: a comparison of individuals with obesity and normal weight controls. *BMC psychiatry*, *22*(1), 1-12. https://doi.org/10.1186/s12888-022-04169-7

Talarowska, M., Wysiadecki, G., & Chodkiewicz, J. (2022). Affective Neuroscience Personality Scales and Early Maladaptive Schemas in Depressive Disorders. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *19*(13), 8062. https://doi.org/10.3390/ijerph19138062

Vasumathi, K., & Murugeswari, N. (2019). Coping among mothers of mentally challenged children in selected special schools, Coimbatore. *IAHRW International Journal of Social Sciences Review*, *7*(6), 1878-1881. https://www.proquest.com/openview/c37537d79ae407ff2569032112728f8d

Wood, M. E., Brown, K. P., Bitting, A. R., Slobogin, C., & Bowerman, B. (2022). Legal Admissibility of the Competence Assessment for Standing Trial for Defendants with Mental Retardation (CAST-MR). *Journal of Personality Assessment*, *104*(2), 289-301. https://doi.org/10.1177/0093854890017002001

Woranetipo, S., & Chavanovanich, J. (2021). Three-way interactions of workload, social support and coping strategy on job burnout. The *Journal of Behavioral Science*, *16*(1), 58-72. https://doi.org/10.1016/j.jpsychores.2007.06.022

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.13.2]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.13.2]